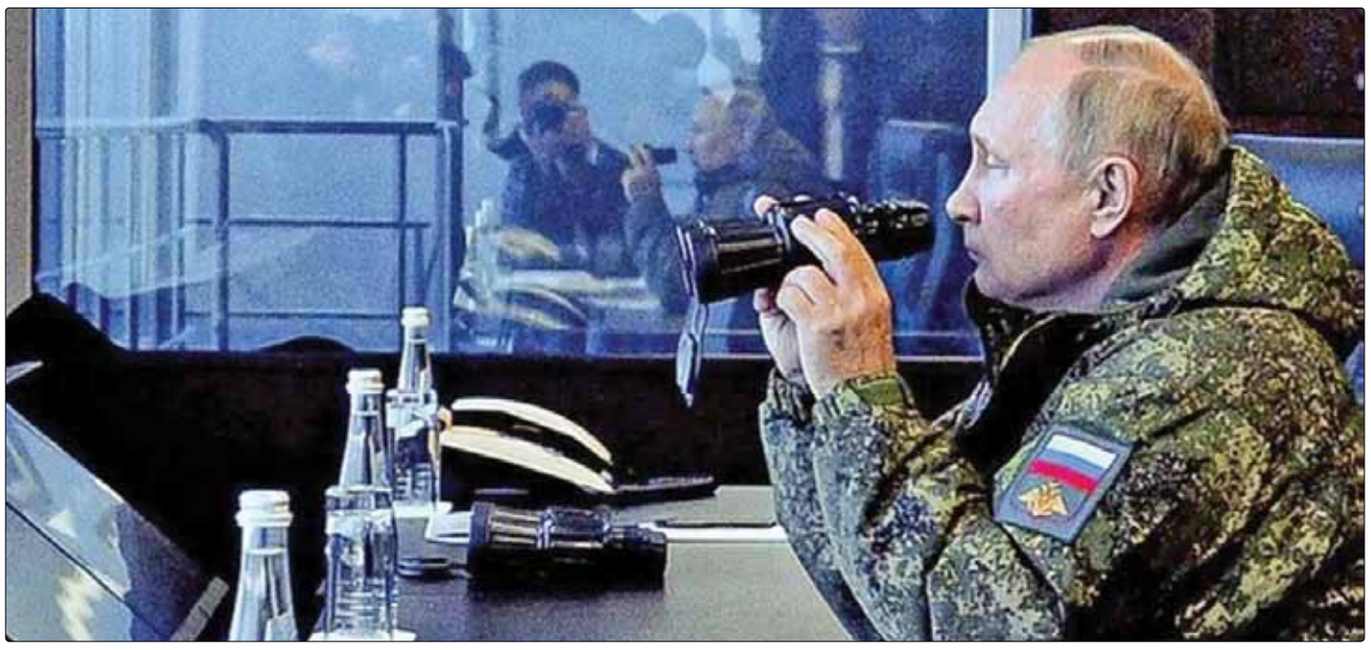

طرف‌های درگیر در اوکراین با تغییر الگوهای جنگی خود رویکرد تهاجمی‌تری اتخاذ کردند

بلومبرگ: پوتین دستور تشدید حملات به بخش انرژی اوکراین را صادر کرد

اروپا در جنگ شعله‌ور

حسین مهدی‌تبار

سپتامبر ۲۰۲۵ جهان شاهد چرخشی استراتژیک در درگیری روسیه و اوکراین است که نه‌تنها توازن قدرت در شرق اروپا را دگرگون می‌سازد، بلکه مرزهای مفهوم امنیت جمعی را نیز به چالش می‌کشد. بر اساس گزارش اخیر بلومبرگ، ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، تصمیم به تشدید حملات هوایی علیه زیرساخت‌های انرژی و مناطق مسکونی اوکراین گرفته است؛ اقدامی که نشان‌دهنده تغییر رویکرد محتاطانه قبلی به یک موضع تهاجمی‌تر است. این تصمیم - که منابع نزدیک به کرملین آن را تأیید کرده‌اند - در حالی گرفته شده که روسیه با تهدیدهای فزاینده‌ای از سوی ناتو و متحدان غربی آن روبه‌رو است، از جمله مجوزهای جدید برای اوکراین به منظور هدف قرار دادن تأسیسات روسی. در این گزارش، به بررسی تحلیلی این تحولات می‌پردازیم و نشان می‌دهیم چگونه روسیه با استفاده هوشمندانه از قدرت نظامی خود، به عنوان ابزاری برای مقابله با فشارهای ناتو عمل می‌کند، در حالی که همزمان هشدارهای روشنی به آمریکا و اروپا ارسال می‌کند تا از گسترش درگیری جلوگیری شود.

پیش از این، روسیه در تخریب زیرساخت‌های اوکراین، بویژه بخش انرژی، رویکردی نسبتاً با ملاحظه اتخاذ کرده بود. حملات هوایی عمدتاً بر اهداف نظامی متمرکز بود و تلاش‌هایی برای اجتناب از خسارات گسترده به غیرنظامیان و شبکه‌های حیاتی مشاهده می‌شد. این استراتژی که ریشه در محاسبات ژئوپلیتیک داشت، نه‌تنها به روسیه اجازه می‌داد فشار اقتصادی بر کی‌یف را حفظ کند، بلکه از واکنش‌های شدیدتر بین‌المللی، بویژه از سوی ناتو جلوگیری می‌نمود اما گزارش بلومبرگ در ۲۰ سپتامبر ۲۰۲۵، بر اساس اطلاعات منابع مطلع کرملین، این الگو را تغییر می‌دهد: پوتین به این نتیجه رسیده که تشدید حملات علیه شبکه انرژی و زیرساخت‌های مسکونی اوکراین، بهترین راه برای وادار کردن کی‌یف به مذاکرات بر اساس شرایط مسکو است. این گزارش تأکید می‌کند پس از دیدار ترامپ و پوتین در آلاسکا (آگوست ۲۰۲۵) و رد پیشنهادهای روسیه توسط زلنسکی، حملات پهپادی و موشکی روسیه ۴۶ درصد افزایش یافته است. ماه سپتامبر، روسیه بیش از ۳۵۰۰ پهپاد، ۱۹۰ موشک و ۲۵۰۰ بمب هدایت‌شونده شلیک کرده که این ارقام رکوردهای قبلی را شکسته‌اند. این تغییر، منطقی به نظر می‌رسد؛ روسیه که تابستان ۲۰۲۵ را بدون دستاوردهای عمده در شرق اوکراین پشت سر گذاشته، اکنون به دنبال بهره‌برداری از ضعف‌های فصلی کی‌یف است. زمستان پیش رو، با وابستگی اوکراین به انرژی، فرصتی ایده‌آل برای اعمال فشار است، بدون اینکه روسیه به حمله زمینی گسترده نیاز داشته باشد. این رویکرد نه‌تنها اقتصادی است، بلکه از نظر روانی نیز قابل توجیه است: ایجاد ترس از قطع گسترده برق و گرمایش، می‌تواند نارضایتی داخلی در اوکراین را افزایش دهد و دولت زلنسکی را به سمت میز مذاکره سوق دهد.

این تشدید، بخشی از یک استراتژی گسترده‌تر روسیه برای ارسال پیام‌های هشدارآمیز به واشنگتن و بروکسل است. منابع کرملین به بلومبرگ گفته‌اند پوتین باور دارد ترامپ، با تمرکز بر سیاست‌های داخلی آمریکا، واکنش شدیدی به این حملات نشان نخواهد داد. این ارزیابی، بر اساس دیدارهای اخیر، منطقی است؛ ترامپ که بر مذاکره برای پایان جنگ تأکید دارد، تاکنون از تقویت دفاع هوایی کی‌یف خودداری کرده است اما روسیه همزمان به اروپا هشدار می‌دهد: در صورت اعمال تحریم‌های جدید یا اجازه به اوکراین برای حملات عمیق‌تر به خاک روسیه، مسکو آماده تشدید است. این پیام، در حملات اخیر به زیرساخت‌های انرژی اوکراین منعکس شد؛ جایی که روسیه نه‌تنها تولید برق را هدف قرار داد، بلکه به طور غیرمستقیم به ناتو اشاره کرد. برای مثال، در ۱۹ و ۲۰ سپتامبر، بزرگ‌ترین حملات اخیر روسیه، با بیش از ۶۰۰ پهپاد و موشک، مناطق نزدیک مرز لهستان را هدف گرفت که این امر ناتو را وادار به پرواز اضطراری جنگنده‌ها کرد. این اقدام، فراتر از یک حمله ساده، یک تست برای امتحان ناتو است؛ روسیه با وارد کردن پهپادها به حریم هوایی لهستان و استونی، نشان می‌دهد می‌تواند مرزهای ناتو را به چالش بکشد بدون اینکه مستقیماً درگیر شود.

نقض حریم هوایی لهستان و استونی در این معادله، تهدیدی بالقوه برای گسترش جنگ فراتر از مرزهای اوکراین ایجاد می‌کند. لهستان، به عنوان یکی از بزرگ‌ترین حامیان نظامی کی‌یف، اخیراً با ورود بیش از ۲۰ پهپاد روسی به حریم هوایی خود روبه‌رو شد که این امر ناتو را وادار به عملیات نگهبانی از مرزهای شرقی کرد. این عملیات با استقرار جنگنده‌های اف ۳۵ هلندی و نروژی بر فراز لهستان، دفاع هوایی شرق ناتو را تقویت می‌کند. استونی نیز با نقض حریم هوایی توسط ۳ جنگنده میگ ۳۱ روسی در ۱۹ سپتامبر، بند ۴ ناتو را فعال کرد. این حوادث که روسیه آنها را «پروازهای برنامه‌ریزی‌شده» توصیف می‌کند، در واقع تست‌هایی برای قابلیت‌های دفاعی ناتو هستند. مارک روته، دبیرکل ناتو، این اقدامات را «بی‌مسؤولیتی رو به افزایش روسیه» خوانده و بر لزوم آمادگی بیشتر تأکید کرده است. پهپادهای روسی که اغلب غیرمسلح هستند، اجازه انکارپذیری می‌دهند و روسیه را از مسؤولیت مستقیم معاف می‌سازند، در حالی که ناتو را وادار به واکنش‌های پرهزینه می‌کنند. این استراتژی، هوشمندانه است؛ روسیه، با نیروی هوایی محدودتر نسبت به ناتو، از ابزارهای نامتقارن مانند پهپادها برای فرسایش غرب استفاده می‌کند، بدون اینکه به جنگ تمام‌عیار کشیده شود.

نکات برجسته هشدارهای روسیه، ریشه در محاسبات دقیق ژئوپلیتیک مسکو دارد. نخست، روسیه به آمریکا و اروپا یادآوری می‌کند هرگونه مجوز جدید برای اوکراین - مانند استفاده از موشک‌های اتکمز برای هدف قرار دادن مسکو - عواقب خواهد داشت. زلنسکی اخیراً اعلام کرده اوکراین سلاح‌های بومی مانند موشک‌های «فلامینگو» را برای حملات عمیق به روسیه توسعه داده، بدون نیاز به تأیید واشنگتن. این پیشرفت که شامل حملات به بیش از ۱۰ پالایشگاه روسی در آگوست ۲۰۲۵ بود، اقتصاد جنگی مسکو را تحت فشار قرار داده و صادرات نفت روسیه را ۱۷ درصد کاهش داده است. روسیه، در پاسخ، حملات خود را به زیرساخت‌های انرژی اوکراین تشدید کرده که این امر تلافی مستقیم است. دوم، تحریم‌های غرب که اتحادیه اروپایی در ۱۸ جولای ۲۰۲۵ بسته هجدهم آن را تصویب کرد، روسیه را هدف قرار می‌دهد اما مسکو با «ناوگان سایه» برای دور زدن آنها مقابله می‌کند. ترامپ، در مصاحبه با ان‌بی‌سی تهدید به تحریم‌های ثانویه علیه خریداران نفت روسیه مانند چین و هند کرده که می‌تواند اقتصاد روسیه را تضعیف کند اما کرملین، از طریق سخنگوی خود دمیتری پسکوف، تأکید کرده «هیچ تحریمی نمی‌تواند موضع روسیه را تغییر دهد». سوم، این هشدارها، با تمرکز بر زمستان ۲۰۲۶-۲۰۲۵، زمان‌بندی‌شده هستند؛ روسیه می‌داند قطع مکرر برق در اوکراین می‌تواند حمایت عمومی از جنگ را کاهش دهد، در حالی که ناتو را در دوراهی حمایت بیشتر یا عقب‌نشینی قرار می‌دهد.

از منظر تحلیلی، اقدامات روسیه را نمی‌توان اتفاقی خواند، بلکه بخشی از یک استراتژی محاسبه‌شده برای مقابله با ناتو است. روسیه، با تولید سالانه هزاران پهپاد و موشک، برتری تعدادی در حملات هوایی دارد که این امر اجازه می‌دهد بدون تعهد منابع زمینی، فشار وارد کند. این رویکرد که توسط مؤسسه مطالعات جنگ (آی‌اس‌دبلیو) به عنوان تست قابلیت‌های دفاعی ناتو توصیف شده، نشان‌دهنده درک عمیق مسکو از ضعف‌های غرب است: مانند اختلافات داخلی در ناتو، مثلاً تردید ترامپ در افزایش کمک‌ها و هزینه‌های بالای دفاع هوایی (هر اف ۳۵ میلیون‌ها دلار هزینه دارد، در حالی که یک پهپاد روسی چند هزار دلار است). روسیه با ورود به حریم هوایی لهستان و استونی، نه‌تنها واکنش ناتو را می‌سنجد، بلکه به طور غیرمستقیم پیشنهاد می‌دهد: اگر غرب از تشدید تحریم‌ها یا مجوزهای حمله به روسیه خودداری کند، مسکو نیز از گسترش درگیری اجتناب خواهد کرد. این تاکتیک، ریشه در دکترین نظامی روسیه دارد که بر «جنگ اطلاعاتی و هیبریدی» تأکید می‌کند؛ جایی که اقدامات کوچک می‌تواند اثرات بزرگ داشته باشد. برای مثال، عملیات «زاپاد-۲۰۲۵» با بلاروس که شامل شبیه‌سازی حملات هسته‌ای بود، همزمان با این نقض‌ها رخ داد و به عنوان هشداری نظامی و دیپلماتیک عمل کرد.

در عین حال، اروپا و آمریکا در حال هماهنگی برای پاسخ هستند. اتحادیه اروپایی، با بسته تحریم‌های جدید در ۱۹ سپتامبر، ۵۶۰ کشتی ناوگان سایه روسیه را هدف قرار داده و آستانه تحریم مؤسسات مالی سوم را پایین آورده است. ترامپ نیز، در حالی که بر مذاکره اصرار دارد، تهدید به «عواقب شدید» کرده اگر پوتین به آتش‌بس تن ندهد اما روسیه، با اقتصاد جنگی خود که به‌رغم تحریم‌ها رشد را حفظ کرده، نشان داده می‌تواند دوام بیاورد. این استقامت، از فروش نفت به هند و چین ناشی می‌شود که تحریم‌های ثانویه را کم‌اثر می‌کند.

در نهایت، این تحولات نشان‌دهنده یک بازی شطرنج پیچیده است که روسیه در آن از قدرت خود به طور مؤثر استفاده می‌کند. پوتین، با تشدید حملات به اوکراین و تست مرزهای ناتو، نه‌تنها کی‌یف را تحت فشار قرار می‌دهد، بلکه به غرب هشدار می‌دهد: هرگونه گام بیشتر، می‌تواند جنگ را به سطح جدیدی بکشاند. روسیه با این اقدامات ثابت کرده می‌تواند از ابزارهایش برای حفظ توازن استفاده کند و این درس مهمی برای ناتو است.

درخواست ترامپ از طالبان برای بازگشت به بگرام به عنوان محل شکنجه شهروندان افغانستانی

عهدشکنی، بازهم در کاخ سفید همان همیشگی!

رضا عمویی

رئیس‌جمهور آمریکا درست ۵ سال پیش روبه‌روی در ورودی کاخ سفید ایستاد و به خبرنگاران در یک جمله گفت: «پس از ۱۹ سال زمانش رسیده که سربازان ما از افغانستان به خانه‌های خود بازگردند». در آن زمان ترامپ تاکید زیادی بر خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان داشت و مشخص بود کاخ سفید از تلفات و هزینه‌های هنگفت نظامی و بی‌نتیجه در افغانستان خسته شده بود. ۵ سال پیش حتی روزنامه نیویورک تایمز و شماری دیگر از رسانه‌های آمریکایی گزارش داده بودند دونالد ترامپ به فرماندهان ارشد نظامی آمریکا بارها تاکید کرده نیروهای آمریکایی پیش از موعد ذکرشده در توافقنامه میان آمریکا و طالبان، هرچه زودتر افغانستان را ترک کنند. بر اساس این توافقنامه آمریکا متعهد شده بود تمام نیروهای خود و نیروهای ائتلاف از جمله کارمندان غیرنظامی و غیردیپلمات، پیمانکاران نظامی، آموزگاران، مشاوران و نیروهای حمایتی خود را ظرف ۱۴ ماه از افغانستان خارج کند. این توافق به معنای آن بود که افغانستان دیگر جایی برای نیروهای آمریکایی نخواهد بود اما اکنون پس از ۵ سال به نظر می‌رسد ترامپ به دنبال پشت پا زدن به توافق قبلی با طالبان است.

اظهارنظرهای جدید ترامپ حاکی از تهدید افغانستان با هدف موافقت طالبان با بازگشت آمریکاست. رئیس‌جمهور آمریکا خواهان بازپس‌گیری پایگاه بگرام از طالبان شده و هشدار داده است در غیر این صورت اتفاقات بدی خواهد افتاد. ترامپ در این ارتباط نوشته است: اگر افغانستان پایگاه هوایی بگرام را به سازندگانش، یعنی ایالات متحده آمریکا، بازنگرداند، اتفاقات بدی خواهد افتاد.

■ رو شدن دست آمریکا

اگرچه ترامپ برای نخستین‌بار روز پنجشنبه هفته گذشته در جریان سفر رسمی خود به انگلیس به طور علنی اعلام کرد دولتش خواهان بازپس‌گیری پایگاه بگرام است و بتازگی نیز همین درخواست را با تهدید تند علیه طالبان مطرح کرده است اما گزارش‌ها نشان می‌دهد رئیس‌جمهور جنجالی آمریکا ماه‌هاست در پشت پرده مشغول مذاکره با طالبان برای بازگشت به افغانستان است. ۳ منبع آگاه به خبرگزاری آمریکایی سی‌ان‌ان گفته‌اند دونالد ترامپ ماه‌هاست بی‌سروصدا مقامات امنیت ملی خود را تحت فشار قرار می‌دهد تا راهی برای بازپس‌گیری پایگاه هوایی بگرام در افغانستان از طالبان پیدا کنند. این منابع به سی‌ان‌ان گفتند گفت‌وگوها با طالبان درباره بازگرداندن کنترل پایگاه نظامی بگرام به دست آمریکا حداقل به ماه مارس یعنی ۶ ماه پیش برمی‌گردد. به نظر می‌رسد مذاکرات پشت پرده ترامپ با طالبان برای بازگشت نظامی آمریکا به پایگاه بگرام در چند ماه گذشته به نتیجه نرسیده و این مذاکرات تاکنون بی‌فایده بوده است، تا آنجا که ترامپ پس از چند ماه این مذاکرات بی‌نتیجه را علنی کرده و با شدیدترین کلمات طالبان را تهدید کرده است.

■ همان عهدشکن همیشگی

اینکه ترامپ طالبان را تهدید می‌کند تا آنها به زور با بازگشت نظامیان آمریکایی به پایگاه نظامی بگرام موافقت کنند، یک عهدشکنی و نقض کامل توافقات قبلی دولت آمریکا با طالبان است. موافقتنامه دولت اول ترامپ و طالبان به «توافق دوحه» معروف است و ۲۹ فوریه ۲۰۲۰ بین نماینده دولت ترامپ و گروه طالبان در پایتخت قطر امضا شد. این توافق به جنگ طولانی‌مدت و ۲۰ ساله آمریکا در افغانستان در حد فاصل ۲۰۲۱-۲۰۰۱ پایان داد و شامل «خروج تمام نیروهای آمریکایی (اعم از نظامی و سیاسی) و ناتو از افغانستان» بود.

بر مبنای این توافق، آمریکا مکلف شد طی ۱۴ ماه تمام نیروهای نظامی و سیاسی خود را از سراسر خاک افغانستان خارج کند و متعهد به بستن ۵ پایگاه نظامی از جمله پایگاه بگرام طی ۱۳۵ روز و پایان تحریم‌های اقتصادی علیه طالبان تا ۲۷ آگوست سال ۲۰۲۰ شد.

با وجود خروج کامل آمریکا از افغانستان اما مفاد توافق با طالبان به طور کامل از سوی آمریکا اجرا نشد و افغانستان تا امروز برخلاف توافق دوحه همچنان درگیر تحریم‌های سخت اقتصادی آمریکاست و فراتر از آن دولت ترامپ اکنون به دنبال زیر پا گذاشتن کامل تعهدات و وعده‌های مکتوب خود و بازگشت نظامی به افغانستان است. بازگشت نظامی و بازگشایی پایگاه نظامی آمریکا در افغانستان به صورت روشن به معنای بی‌معنا بودن توافق دوحه برای کاخ سفید است.

■ بهانه‌تراشی ترامپ با تأسیسات هسته‌ای چین

بگرام، یکی از قطب‌های کلیدی نظامی آمریکا در طول اشغال ۲۰ ساله افغانستان، به دلیل موقعیت مکانی - نزدیک به چین - و اهمیت تاریخی، از ارزش ژئوپلیتیک برخوردار است. پایگاه بگرام که حدود ۴۰ کیلومتر با کابل فاصله دارد، ۲۰ سال نقش مهمی در عملیات نظامی آمریکا و متحدانش در افغانستان ایفا کرد.

آنگونه که پلیتیکو گزارش داده است، ترامپ و مقامات ارشد امنیت ملی او معتقدند در اختیار گرفتن پایگاه بگرام در افغانستان به دلایل مختلف برای آمریکا ضروری است، از جمله برای نظارت بر چین که مرز آن کمتر از ۵۰۰ مایل (۸۰۴ کیلومتر) با بگرام فاصله دارد. پیش‌تر در پاییز ۲۰۲۳ نیز رئیس‌جمهور فعلی آمریکا در جریان مبارزات انتخاباتی خود ادعا کرده بود پایگاه بگرام تحت کنترل ارتش آزادی‌بخش خلق چین است. این در حالی است که طالبان این ادعا را رد کرده و افزوده است: چین هیچ ردپای نظامی در بگرام ندارد. در عین حال به نظر می‌رسد اظهارات ترامپ درباره نزدیکی پایگاه بگرام به تأسیسات هسته‌ای چین به میدان آزمایش هسته‌ای قدیمی لوپ نوروکلئار، در حدود ۲۰۰۰ کیلومتری آن سوی مرز افغانستان در منطقه شمال غرب سین‌کیانگ اشاره دارد. این تأسیسات جایی است که چین نزدیک به ۶۰ سال پیش نخستین بمب اتم خود را در آنجا آزمایش کرد اما مشخص نیست در حال حاضر این سایت محل فعالیت هسته‌ای باشد، زیرا گمان می‌رود تاسیسات هسته‌ای چین در مرکز این کشور متمرکز شده باشد. بنابراین شاید تاکید ترامپ مبنی بر نزدیکی بگرام به تاسیسات هسته‌ای چین بیش از آنکه یک دلیل واقعی باشد، یک بهانه‌بافی باشد.

همچنین بر اساس گزارش سی‌ان‌ان، پایگاه بگرام از نظر دسترسی به عناصر خاکی کمیاب و استخراج معادن در افغانستان، ایجاد یک پایگاه نظامی و احتمالاً بازگشایی یک مرکز دیپلماتیک آمریکا در افغانستان برای کاخ سفید ضروری توصیف شده است.

پایگاه بگرام همچنین دارای یک باند ۲ مایلی (۳,۲ کیلومتری) برای برخاستن و فرود انواع هواپیماهاست و در زمان حضور آمریکا در افغانستان نقطه شروع عملیات نظامی در سراسر این کشور بود. فضای مناسب این پایگاه برای هواپیماهای باری، جت‌های جنگنده و هلیکوپترهای تهاجمی مزیت مهم این پایگاه برای حضور پنتاگون در غرب آسیاست. روسای جمهور آمریکا از «جورج دبلیو بوش» و «باراک اوباما» تا «دونالد ترامپ» همگی در دوران ریاست جمهوری خود بارها از بگرام بازدید کردند. این پایگاه همچنین در طول سال‌ها هدف حملات متعدد طالبان، از جمله بمب‌گذاری‌های انتحاری و حملات موشکی قرار گرفته و در زمان فعالیت دارای سیستم‌های پدافندی متنوع بود.

بر اساس گزارش فرماندهی مرکزی ایالات متحده (سنتکام)، وقتی نیروهای آمریکایی در سال ۲۰۲۱ این پایگاه نظامی را ترک کردند، معادل ۹۰۰ محموله هواپیمای باربری و غول پیکر C-17 (Boeing C-17 Globemaster III) از این پایگاه خارج و نزدیک به ۱۶ هزار قطعه تجهیزات نظامی را در آن نابود کردند.

■ دست رد طالبان به بازگشت نظامی آمریکا

روزنامه وال‌استریت ژورنال در تازه‌ترین گزارش درباره تمرکز آمریکا بر پایگاه نظامی بگرام افغانستان به نقل از منابع آگاه خود گزارش داد واشنگتن در حال مذاکره با طالبان درباره بازگشت به بگرام است اما جزئیات بیشتری از این مذاکرات اعلام نشده است. این روزنامه همچنین نوشت: مذاکرات با طالبان تحت ریاست «آدام بوهلر» نماینده ویژه آمریکا در امور گروگان‌گیری انجام می‌شود.

در عین حال به نظر می‌رسد پذیرش حضور نظامی آمریکا برای طالبان سنگین و غیرقابل قبول است، چون بتازگی «ذاکر جلالی» از مقام‌های وزارت خارجه طالبان در فضای مجازی نوشت: «افغان‌ها در طول تاریخ هرگز حضور نظامی هیچ‌کس را نپذیرفته‌اند اما برای انواع دیگر تعامل، همه راه‌ها باز است».

همچنین «مهاجر فراهی» از مقامات بلندپایه طالبان در واکنش به ادعاهای ترامپ درباره بازپس‌گیری بگرام، بخشی از یک شعر را به صورت کنایه‌آمیز خطاب به جنایات نظامی آمریکا در زمان حضور در افغانستان منتشر کرد: «هنوز خاطرش آرام نگرفته است/ همان که سر ما را به سنگ می‌کوبید». بر اساس گزارش الجزیره، هزاران نفر از مردم افغانستان، سال‌ها بدون اتهام یا محاکمه توسط نیروهای آمریکایی در جریان جنگ به اصطلاح «ضدتروریسم» در پایگاه بگرام زندانی شدند و بسیاری از آنها مورد آزار و اذیت یا شکنجه قرار گرفتند. چه بسا بخشی از افرادی که در زمان حضور نظامی آمریکا در بگرام بازداشت و شکنجه شدند، همان افرادی باشند که اکنون در افغانستان قدرت را به دست گرفته‌اند.

نه‌تنها تاکنون اظهارنظر موافقی از سوی اعضای طالبان برای پذیرش بازگشت نظامی آمریکا به بگرام اعلام نشده، بلکه واکنش‌ها از مخالفت گسترده با بازگشت آمریکایی‌ها حکایت دارد. این مخالفت‌ها البته جای تعجب ندارد و شاید رهبران طالبان به آسانی حاضر نباشند اعتبار و آبروی سال‌ها مبارزه با اشغالگری آمریکا را با یک تهدید کلامی رئیس‌جمهور آمریکا بر باد دهند.

دور دنیا

۱۴۹ کشور از جمله انگلیس، کانادا و استرالیا کشور فلسطین را به رسمیت شناختند

انزوای اسرائیل

در نشست پیش روی مجمع عمومی سازمان ملل، چندین پایتخت قصد به رسمیت شناختن کشور مستقل فلسطین را دارند، در حالی که پیش از این حاکمیت فلسطینی‌ها بر سرزمین خودشان توسط ۱۴۹ کشور به رسمیت شناخته شده است. در ادامه زنجیره به رسمیت شناختن دولت فلسطین توسط کشورهای غربی، انگلیس، کانادا و استرالیا نیز اعلام کردند کشور مستقل فلسطین را به رسمیت می‌شناسند. نخست‌وزیران انگلیس، کانادا و استرالیا با صدور بیانیه‌هایی تصمیم خود را برای آنکه دولت فلسطین را به رسمیت بشناسند اعلام کردند. در این راستا، «کر استارمر» نخست‌وزیر انگلیس با اعلام شناسایی دولت مستقل فلسطین، ضمن اتهام‌زنی به حماس، اعلام کرد این جنبش در آینده فلسطین جایی نخواهد داشت. نخست‌وزیر انگلیس گفت: «امیدها برای راه‌حل ۲ دولتی در حال کمرنگ شدن است اما نباید اجازه دهیم این نور، خاموش شود». او همچنین با اعلام اقدامات تحریمی علیه حماس، گفت: «ما در تلاش هستیم تا امکان صلح و راه‌حل ۲ کشوری را زنده نگه داریم». دفتر «مارک کارنی» نخست‌وزیر کانادا نیز در بیانیه‌ای تصریح کرد: «کانادا دولت فلسطین را به رسمیت شناخته و آمادگی خود را جهت شراکت در تحقق آینده‌ای صلح‌آمیز برای هر ۲ دولت فلسطین و اسرائیل ابراز می‌کند». دفتر «آنتونی آلبانیز» نخست‌وزیر استرالیا هم در بیانیه‌ای نوشت: «استرالیا از امروز یکشنبه ۲۱ سپتامبر دولت مستقل و دارای حاکمیت فلسطین را به رسمیت می‌شناسد». آلبانیز در ادامه این بیانیه با اشاره به تصمیم انگلیس برای به رسمیت شناختن فلسطین که پیشتر اعلام شد، تصریح داشت: «اقدام استرالیا در به رسمیت شناختن فلسطین طی امروز که به همراه تصمیم‌های مشابه کانادا و انگلیس اعلام شد، بخشی از یک اقدام هماهنگ بین‌المللی برای بخشیدن قوتی جدید به راه‌حل ۲ دولتی است که برای شروع به اجرای آن باید آتش‌بس در غزه برقرار شده و زندانی‌های اسرائیلی که ۷ اکتبر ۲۰۲۳ اسیر شدند آزاد شوند».

«امانوئل مکرون»، رئیس‌جمهور فرانسه هم روز جمعه اعلام کرد تصمیم دارد روز دوشنبه در نیویورک فلسطین را به رسمیت بشناسد.

■■■

رهبر انصارالله یمن:

آمریکا و اسرائیل در یمن شکست خوردند

رهبر انصارالله یمن طی سخنانی به مناسبت سالروز پیروزی انقلاب ۲۱ سپتامبر که به حکومت دست‌نشانده و قیمومیت خارجی در این کشور پایان داد، آن را انقلابی بزرگ و منحصربه‌فرد خواند. سیدعبدالملک بدرالدین الحوثی طی سخنانی به مناسبت سالروز پیروزی انقلاب ۲۱ سپتامبر اظهار داشت: انقلاب ۲۱ سپتامبر، یک دستاورد بزرگ و منحصربه‌فرد بود که خداوند آن را به دست مردم عزیز یمن محقق کرد. رهبر انصارالله یمن تاکید کرد: انقلاب ۲۱ سپتامبر هیچ نیازی به پروپاگاندای رسانه‌ای ندارد، چرا که همچون نور خورشید بر حقایق استوار است. وی نخستین ویژگی این انقلاب را اصالت آن و عدم وابستگی به هرگونه عوامل خارجی دانست و تصریح کرد: انقلاب ۲۱ سپتامبر، یک انقلاب مردمی بود که خاستگاه آن اراده مردم یمن بوده و هیچ عامل خارجی در ایجاد آن نقش نداشته است. سیدعبدالملک گفت: انقلاب ۲۱ سپتامبر، مردم و کشور ما را از سیطره و قیمومیت خارجی‌ها آزاد کرد؛ نیروهای خارجی‌ای که با خیانت برخی عوامل داخلی، این کشور را علنی به سلطه خود درآورده بودند.

■ مقدرات کشور قبل از انقلاب ۲۱ سپتامبر در دست آمریکایی‌ها بود

رهبر انصارالله یمن گفت: پیش از انقلاب ۲۱ سپتامبر، سفیر آمریکا در یمن، تبدیل به همه‌کاره کشور شده بود و حرف اول و آخر را می‌زد و کسی بود که می‌توانست به همه دستور دهد و امر و نهی کند. وی با تاکید بر اینکه «آمریکایی‌ها در تمام امور و مقدرات کشور دخالت می‌کردند و از این طریق به دنبال رسیدن به اهداف خود بودند» تصریح کرد: حاکمیت و استقلال به طور کامل پایمال شد و نیروهایی که در قدرت، تن به قیمومیت خارجی دادند، به شکل کامل به بیگانگان وابسته شدند و راه را برای نفوذ و سیطره آمریکا بر کشور باز کردند. وی در بخش دیگری از سخنانش به ویژگی‌های این انقلاب اشاره کرد و گفت: از دیگر ویژگی‌های مهم انقلاب ۲۱ سپتامبر یمن، عملکرد بالنده و ارزشمند آن بود که هیچ همانندی برای آن وجود ندارد. سیدعبدالملک با اعلام اینکه هیچ‌گونه خشونتی از سوی پیشگامان انقلاب و طرفداران آن وجود نداشت، گفت: انقلاب ۲۱ سپتامبر، امنیت و ثبات را برای همه مردم صنعا فارغ از گرایش‌های سیاسی آنان به ارمغان آورد. رهبر انصارالله یمن تصریح کرد: تمام تلاش کسانی که به عنوان ابزارهای آمریکا و اسرائیل فعالیت می‌کردند، این بود که ساختار منسجم مردم ما را فروبپاشند و همبستگی میان آنان را از بین ببرند. وی بزرگ‌ترین دستاورد انقلاب مردمی یمن را ساقط کردن تسلط و قیمومیت عوامل خارجی بر این کشور دانست و گفت: پیش از انقلاب، وضعیت اقتصادی و امنیتی یمن بسیار نابسامان بود. در حوزه اقتصادی به‌رغم اینکه کشور درگیر جنگ خارجی یا تحریم خارجی نبود اما وضعیت اقتصادی در آستانه نابودی قرار داشت. از لحاظ امنیتی نیز، به طور مستمر شاهد قتل ماموران حافظ امنیت و حمله به مراکز درمانی بودیم.

■ آمریکا همراه با اسرائیل و گماشته‌های خود در یمن شکست خوردند

سیدعبدالملک تاکید کرد: رژیم سعودی با نظارت آمریکایی‌ها و مشارکت اسرائیل و انگلیس، یک ائتلاف علیه یمن شکل داده‌اند و بخش بزرگی از سرزمین ما را اشغال و مردم را از برخورداری از ثروت‌های ملی محروم کردند. وی با تاکید بر اینکه در کنگره آمریکا می‌گفتند ترامپ قادر است با یک سخنرانی، جنگ علیه یمن را متوقف کند، تصریح کرد: آمریکا همراه با اسرائیل و گماشته‌های خود در منطقه در یمن شکست خوردند.